وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره چهارم دوشنبه ٤ قوس ۱۳۸۱ - ۲۰ رمضان المبارک ۱٤۲۳ - ۲۵ November ۲۰۰۲

رمضان در سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که : یک اعرابی خدمت پیامبرصلی الله علیه وسلم آمد وگفت:یا رسول الله مرابه عملی رهنمایی کن که چون آن را انجام دهم به بهشت داخل گردم. فرمود: این که خدای را عبادت نمایی و به وی چیزی را شریک نیاوری ونماز رابرپا داری وزکات فرض شده رابدهی ورمضان راروزه بگیری. گفت به ذاتی که جانم دریدِ اوست بر این نمی افزایم وچون رفت آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: آن که خوشش آید به سوی مردی از اهل بهشت بنگرد، باید به سوی این مرد بنگرد .

استاد ربانی: سفیر عربستان سعودی برایم گفت:

شما بیشتر از حد لازم مستقل هستید

شما را درقدرت نمی گذارند



بخش اول ودوم متن سخنرانی استاد درشماره های پیشین به نشر رسید اینک قسمت اخیر آن خدمت خوانندگان محترم به نشر می رسد

شیوهء ما در دوران اقتدار

در این جا (داخل کشور) احزاب مختلفی وجود داشتند، احزاب چپی وراستی، خلقی وپرچمی و کسانی دیگر، از سوی ما عفو عمومی صادر شد، قوماندانان ومجاهدینی بسیار می آمدند نزد من و نزد انجینیر صاحب شهید که آی! از برای خدا ، قاتل پدرم این جا آزاد گشت و گذارمی کند و دیگری می گفت قاتل برادرم را گذاشته اید که در فلان دفتر دولت کار کند. ما گفتیم برادرها، حالا عفو عمومی اعلان شده است، تعداد زیادی از اعضای کمیته مرکزی حزب خلق ص۲

از سوء قصد علیه جان مارشال فهیم جلو گیری به عمل آمد



یک گماشته شده تروریزم بین المللی به نام بوتان اکرم توفیق هورامی اهل کردستان کشور عراق که به اسم مستعار خود را نور محمد معرفی می دارد، روز اول قوس ۱۳۸۱ ساعت یک بعد از ظهر در جاده۱۳ وزیر اکبر خان مقابل منزل مارشال فهیم معاون ریاست دولت ووزیر دفاع ملی در حالی از طرف افراد امنیتی دستگیر گردید که در واسکتش (۱۰) کیلو گرام مواد منفجره(ای-۴) را جابجا ساخته بود.

هدف این تروریست اجرای عملیات انتحاری علیه رئیس دولت حامد کرزی ومارشال فهیم بوده است، این تروریست با پلان تروریستی اش از مرزهای شرقی کشور وارد کابل گردیده است.

دطالبانو دکورنیو چارو وزیر ونیول شو

دآزادي غږ راډيو دقوس په دويمه اعلان كړه، چي امريكائي پوځونو په سپين بولدك كي پاكستاني پولي ته نږدي په خپلو تصفيوي عملياتو كي ملا عبدالرزاق له ځوتنو سره ونيو. په دي عملياتو كي ځاي اوسيدونكيوهم ورسره مرسته كړي.

ملا عبدالرزاق دطالبانو جګړ پوړي مقام دي، چي دطالبانو سته بلل كيږي د يو بهرني ګاونډ له استخباراتو سره خورا نږدي اړيكي لري او هغه لومړي مخبر دي چي د ملي اتل شهيد خبر پي اي اس اي ته وركړ.

زلمی خلیل زاد فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا درافغانستان

همسایه های افغانستان باید از حکومت مرکزی افغانستان حمایت نمایند

زلمی خلیل زاد نماینده ویژه رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان اظهار داشته است که همسایه های افغانستان باید باهم پیمانان شان درافغانستان و همچنان ائتلاف بین المللی همکاری نمایند تا بقایای حرکت طالبان وسازمان القاعده را در منطقه ریشه سازند زیرا این سازمان نه تنها جامعه بین المللی را تهدید می کند بلکه ثبات وتحکیم نظام جدید را در افغانستان تهدید می نماید.

وی اظافه نمود باید همسایه گان افغانستان از طریق حمایت از حکومت مرکزی یا با موافقه آن و تحکیم نظام جدید در آن کشور کمک کنند نباید شخصیت های القاعده و طالبان را پناه دهند و در امور افغانستان مداخله نمایند با افغانستان مرکز رقابت خود تبدیل نمایند خلیل زاد گفت: آمریکا درهمکاری خودبااعضای ائتلاف متعهد بوده تازمان تحکیم آن بازسازی شود وترمیم راه ها و شاهراه ها



یکی از بخش های عمده در این راستا محسوب می شود.

کنفرانس بین المللی کمک به افغانستان در آلمان دایر می گردد

دومین کنفرانس بین المللی تحت نام (افغانستان در دوران بازسازی وصلح و ثبات) به ابتکار وزیر خارجه آلمان در شهر بن در یازدهم قوس برگزار می گردد، در این کنفرانس حامد کرزی رئیس دولت اسلامی انتقالی افغانستان واعضای کابینه دولت واخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل متحد و خافیرسولانا مسوول روابط خارجه اتحادیه اروپا و کشورهای کمک دهنده، و همسایگان افغانستان و نخست وزیر آلمان اشتراک خواهند کرد.

در کنفرانس اوضاع افغانستان و کمک های مالی و بازسازی افغانستان و فعالیت های جامعه جهانی در این کشور مورد برسی قرار خواهد گرفت. قرار است وزیر خارجه آلمان یوشکافیشر به منظور تدارک کنفرانس روز سه شنبه به کابل سفر نماید تا با مقامات افغانستان گفتگو کند.

امریکا جهت بازسازی افغانستان ۳.۳ میلیارد دلاربه مصرف می رساند

مجلس سنای امریکا سند حمایت دوستی با افغانستان را امضاء نمود، و بر اساس آن (۳،۳) میلیارد دلار را برای باز سازی افغانستان به مصرف می رساند. مبلغ یاد شده در زمینه های اقتصادی و سیاسی وامنیتی وکمک های بشردوستانه در ظرف چهار سال آینده به مصرف خواهد رسید. جیک هیود سناتور امریکایی این طرح را پیشنهاد کرده وگفته است که امریکا باید در کنار افغانستان بماند و جهت استقلال دادن افغانستان به یک جامعه دموکراتیک تلاش ورزد.

از جمله (۳،۳) میلیارد دلار امریکایی (۱،۷) میلیارد در آن برای کمک های اقتصادی و بشر دوستانه و (۳۰۰) میلیون دلار جهت تکمیل بخش های خصوصی و (۳۰۰) دالر جهت کمک اقتصادی و امنیتی اختصاص داده شده است.

دمجاهدينو پخواني قوماندان دګروال نورمحمد:

د وسلو سوځول خلع سلاح نه بلكي خلع دفاع ده

دعقرب په نهه ويشتمه سوله ساتي پوځونو لس موټره وسله او مهارت چي له اركون او زرمت ځخه راټول كړي وو، وسوځول زموږ خبريال زياتوي . چي دي عمل په خلكو كي عكس العمل پيدا كړي او وايي چي دا وسلي دي د افغانستان اردو ته وسپارل شي چي نوي جوړ شوي كنډكونه پري سمبال شي. دمجاهدينو پخواني قوماندان دګروال نورمحمد خان وائي چي كه ددي عمل مخنيوي ونه شي نو د وسلو سوځول خلع سلاح نه بلكي دافغانستان خلع دفاع ده.

نیروهای ویژهء استرالیا از افغانستان خارج می شوند

جان هاورد نخست وزیر استرالیا اظهار نموده است که نیروهای ویژه کشورش از ائتلاف نیروهای بین المللی تحت رهبری امریکا از افغانستان خارج خواهند شد و استرالیا پشتیبانی خویش را از امر بازسازی و ساختن موسسات در افغانستان معطوف می سازد

مجلهٔ نیوزویک:

آی اس آی تلاش می ورزد اتحادی را بین طالبان وگلبدین حکمتیار برقرار سازد

جریده نیوز ویک دریک ازشماره های خود گفته است اداره استخبارات خدماتی اردوی پاکستان کوشش می نماید اتحاد بین طالبان وگلبدین حکمتیار جنگ سالار فراری افغانستان به وجود بیاورد، این مطلب رایک جمهوریت طالبان انشا نموده است این مامور که در خفا به سر می برد گفته است آی اس آی همچنان با مولوی محمد کبیر والی سابق ولایت ننگرهار که عقیده می رود سومین مرد در پایه طالبان است ملاقات کرده است

در صفحات داخل می خوانید

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

گسترش نیروهای حافظ صلح بین المللی به سایر نقاط افغانستان سودمند خواهد بود؟

برپایهٔ اظهارات زلمی خلیل زاد فرستادهٔ ویژهٔ رئیس جمهور امریکا در افغانستان، نیروهای حافظ صلح بین المللی افزون برکابل به جاهای دیگر افغانستان نیز گسترش خواهند یافت. به سخن وی این نیرو ها از سربا زان امریکایی و متحدان آنان تهیه خواهند شد وازساختار نیروهای حافظ صلح مستقر در کابل ایساف جدا خواهند بود.

چنین به نظر می رسد که کشور های شامل در نیروهای حافظ صلح بین المللی ایساف در کابل علاقه یی چندان به گسترش نیروهایشان به سایر نقاط افغانستان ندارند؛ ژنرال زورلو فرمانده این نیروها در افغانستان در مصاحبه یی با رادیوی آزادی این مطلب را تصریح کرده است، و این امر ایالات متحده امریکا را وادار به اقدام یک جانبه در این زمینه ساخته است. راستی بدون تأمین امنیت سراسری درافغانستان نمی توان به آیندهٔ ثبات و آرامش در این کشور مطمئن بود، و اعزام نیرو به مناطق آسیب پذیر و تشنج زا بی تردید امر ضروری است، اما تعمیم ارسال نیروی نظامی به همهٔ مناطق افغانستان تحت عنوان تسهیل وتسریع روند بازسازی مسأله یی است قابل درنگ و اندیشه. شاید به همین دلیل در میان سیاست گذاران امریکایی در بارهٔ افغانستان در این باره اتفاق نظر وجود نداشته باشد که اعزام نیرو به همه نقاط افغانستان یک امر اجتناب ناپذیر است، دیو جانسن مسوول هماهنگی سیاستهای امریکایی در رابطه با افغانستان در وزارت خارجه امریکا گفت: "گماردن یک گروه کارشناس برای کارهای بازسازی در افغانستان موثرتر از توسعهٔ نیروهای حافظ صلح در این کشور است".

با این همه ما به این باور هستیم که جهت تأمین آرامش وحفظ امنیت به مناطقی باید نیروهای حافظ صلح اعزام شوند تاجلو فعالیت های بقایای طالبان و القاعده و کتله های تازه تشکیل دیگر را بر ضد دولت مهار کنند وجلو مردم آزاری برخی از فرماندهان خود سر را بگیرند. اما اعزام نیرو به یقین به جاهایی که از استقرار و امنیت برخوردار است و بازسازی ونوسازی در آن جاها بدون هیچ گونه مانعی پیش می رود، لزومی ندارد.

اگر ایجاد نا آرامی ها وتشنجهایی در آن مناطق از سوی افرادی دلیل این کار خوانده می شود، باید دانست که مردم در چنین مواردی بیشتر از عوامل داخلی، دستهای بیرونی را در آنها می بینند که باید به آن توجه شود، و این که اخیراً آقای خلیل زاد گفته است دیگر ایالات متحدهٔ امریکا به فرماندهان محلی کمک نمی کند امید به قطع این عامل را بیشتر تقویت می نماید. نیز باید گفت اعزام نیرو به جاهایی که عملاً خطری امنیت را تهدید نمی کند جز بر انگیختن احساسات مردم و دادن دستاویزی برای مخالفان دولت سودی نخواهد کرد.

شما بیشتر از حد لازم مستقل ...

و پرچم در کابل وجود داشتند بی آن که مشکلی آنان را تهدید کند، روزی کسی آمد به نام جنرال جمیل نورستانی با چند نفر جنرال دیگر، آنها فکر کرده بودند که ما نمی گذاریم کسی از فغانستان خارج شود، آمد و کسی را هم واسطه ساخته بود و عریضه یی داشت که مارا اجازه بدهید که از کشور برآییم . من گفتم چرا؟ گفت اگر اجازه بیرون شدن مان را از افغانستان بدهید خوش می شویم؟ گفتم : نی ، قطعاً ممکن نیست. در همان وظیفه ات برو کار کن. تو از همین افغانستان هستی، دیروز کار کردی، امروز از استعداد تو استفاده باید شود. مجاهدین این احساس را دارند که ازتمام کادر های افغانستان ازکسانی که دستشان به خون مردم تر نباشد و قتل های بسیار آشکارا انجام نداده باشند استفاده شود. هرکسی حق دارد دراین جا زندگی و کار کند تو برو وظیفه ات را اجرا کن مسأله یی نیست، با اطمینان کارکن.

بعضی از برادران آمدند که سر نوشت احزاب چطور می شود؟ ما گفتیم: احزاب فعلاً دفاتر شان را فعال بسازند، منتها به یک شرط که مخالف اسلام فعالیت نکنند و وابستگی خارجی خود را قطع کنند. به همین اساس یک تعداد احزاب کم کم آمدند و دفاتر شان را باز کردند، حزب مساوات دفترش را باز کرد و یک گروه از پرچمی ها دفترشان را باز کردند، ویک گروه از خلقی ها آمده بودند.

در آن دوران تقریباً ۷۰ نشریهء آزاد درکابل به میان آمده بود.

تکیه بر اصل استقلالیت

مسالهء استقلالیت که از قبل ها در ذهن برادران جمعیت بود، یک اصل بسیار مهم در سیاستهای ما تلقی می شد، یک روز سفیر عربستان سعودی آقای سعیدی دوبار نزدم آمد و در یک بار گفت : یک سلسله گپ ها یی دارم، اگر اجازه بدهید بگویم ،گفتم ،خوب است بفرماییداو در یک جلسهء دیگر بعداً آمد و به عربی برایم گفت: "و ها انتم أکثر من اللازم" شما از حد لازم بیشتر استقلال می خواهید"

گفتم: یعنی چه. گفت:کشور های دنیا شمارا نمی گذارند که با این روحیهء آزاد منشی تان در قدرت بمانید، حتماً یگان سامله گری با بعضی از کشورها بکنید. گفتم:پس مبارزه به خاطر چیست؛ وما برای چه مبارزه کرده ایم. گفت: پس ممکن است شما را نگذارند.

تلاشهای ما برای صلح

جنگ هایی که صورت گرفت برما تحمیل شده بود. تا گفته نماند بار بار من این را گفته ام و در یک یادداشت مختصر هم که برادر منصور در نشریه اش آن را نشر کرده است آن را تذکر داده ام. اصلاً بعضی ها فکر می کنند که اینان چرا جنگ می خواهند، در حالی که ما همیشه به فکر صلح بودیم، در گذشته برای صلح تلاش هایی زیاد وجود داشت. انجنیر صاحب شهید، هر پیشنهادی که حکمتیار کرد، قبول کرد در حالی که ما قبول نداشتیم، از شرطهای حکمتیار این بود که انجنیر شهید وزیر دفاع نباشد. حتی من یک بار برای انجنیرشهید در وقت مذاکرات جلال آباد گفتم که درست نیست این شرط را قبول بکنیم ، گفت نی، هرکسی به جای من وزیر دفاع بوده باشد باکی ندارد، گفتم خیر تو که بسیار اصرار می کنی که کنار می روی به یک شرط من قبول دارم که از وزارت دست برداری ،من فرمان معاونیت ریاست جمهوری تو را در بخش نظامی و امنیت و داخله اعلان می کنم. او تا آن وقت قبول نداشت، گفت: نی،نی ، استاد خواهش می کنم، باز مردم می گویند که او این تنازل را به خاطر معاونیت ریاست دولت کرد.

باز بعد از این که طالبان آمدند در ماهیپر رفت وکوشید که حکمتیار را بیاورد به کابل و او خودش به خاطر صلح به میدان شهر پیش طالبان رفت.

البته در زمان جنگ با روسها اولین کسی که باب مذاکره را با آنان باز کرد انجنیر صاحب بود. سپس ما رفتیم همراه وارنتسوف در طایف نشستیم و مذاکره کردیم، باز به خاطری که با روسها مذاکره کنیم به مسکو رفتیم ودر آن جا با یلتسین و گوربا چف مذاکره کردیم، بعد ازآن در وقت طالبان بازهم به خاطری که صلح به میان بیاید در وقت بسیارخطر ناکی در دوران حکومت نواز شریف به پاکستان رفتم او هم گفته بود من طالبان را متقاعد ساخته ام که مسأ له حل شود

ما یک سلسله گپ های زیادی در رابطه باگذشته ها به گفتن داریم.

خواسته های شرایط کنونی

در شرایط فعلی ما در یک وضع جدیدی قرار داریم. عقیده من این است که ملت افغانستان به یک وحدت سرتاسری نیاز دارد، هم در بخش مسایل سیاسی وهم در قضایای ملی ، تا یک چهار چوبی به میان بیاید که و به سیلهء آن باید ازاین تضاد ها و کشمکش ها و برخورد ها واختلاف سلیقه ها ، از همه اینها جلوگیری شود تا تمام افراد این ملت متحدانه در یک صف و سنگر قرار بگیرند.

یک سلسله مسایلی است که باید ملت افغانستان آن را به هیچ صورتی از دست ندهد.

روحیهء استقلال طلبی و آزاد منشی:

این اصل باید در هر صورت حفظ شود و تعهد واعتقادات ملت به ارزش های دینی و تاریخی و فرهنگی شان که همیش انگیزه یی برای رستاخیز و قیام های ملی بوده است، همبستگی های مردمی جهت پیاده کردن حق وعدالت در تعاملات ، و در بارهء این که افغانستان آینده چگونه ساخته شود، به گونه یی که هیچ کس در آن احساس محرومیت نکند، و هیچ کس در آن در خدمت اجا نب قرار نگیرد، و به هیچ کس اجازه داده نشود که در افغانستان هسته های بحران را بسازد وافغانستان را به تباهی بکشاند اندیشیده شود.

این قضایا و مسایل بسیار زیادی هست که ایجاب تفکر بیشتر، و ایجاب تعمق و ایجاب بررسی عمیق ودرست را می کند. شناخت از اوضاع کنونی ملی و بین المللی که فعلاً در جهان چه اوضاعی حاکم است و ما چطور بتوانیم افغانستان را ازاین یک وضع تقریباً پر غوغا و پر آشوب بین المللی بکشیم و آن را طوری هدایت بکنیم که بتواند به عنوان یک افغانستان مقتدر، یک کشور مقتدر و یک ملت مستقل و باعزت، در صحنهء ملی و بین المللی مطرح باشد، اینها همه ایجاب می کند که یک مشارکت قوی از شخصیت های عمده در هر جا که هستند به وجود بیاید زیرا عناصر کم تجربه، عناصری که در مسایل سیاسی زیاد کار کشته نیستند یاًاز اوضاع ملی و بین المللی آگاهی شان کمتر است شاید کمتر بتوانند مسایل را بفهمند.

شخصیت های بزرگ ما در هر جاکه هستند من به این عقیده هستم که عمده ترین کار شان دراین شرایط این است که بیندیشند وتلاش کنند که به چه شکل می توانند فکر شان وخواسته های معقول شان و نظریات درست و سالم شان را در جریان فعلی کشور حاکم نمایند تا باز خدای ناخواسته این طور نشود که افغانستان یک تخته شطرنج شود برای بازی های مختلف که هر کسی بخت خود را در آن بیازماید، گاهی به شکل نظامی و گاهی به صورت خطر ناک سیاسی، لذا من به این عقیده هستم که راجع به اوضاع فعلی افغانستان به صورت بسیار همه جانبه بررسی شود.

اول همان جریان ها وهمان مردمانی که بسیار زیاد بهم نزدیک هستند، با هم نزدیک ترشوند.

اصول و میشود های اساسی در این جا مطرح باشد که همه احساس بکنند که از جریانی که در کشور می گذرد، بیگانه نیستند.

شما هم شاید دیده باشید و من فکر می کنم در همین دوران یک نوع زرنگی ها یی به کار رفته است، یعنی کسانی بوده اند که دیروز از حمایت گران صد در صد طالبان بودند ونماینده آنان بودند و اشخاص عمده یی با طالبان بودند، بایک چرخش آمدند ودرمحفل بزرگ وعمده یی حضور یافتند و همین اکنون در بعضی از اماکن مهم جای دارند. این چیز ها نشان می دهد که بازی های مختلفی و دست های مختلفی و برنامه های مختلفی در کار است. این مسایل ایجاب می کند که یک همبستگی در میان افغان ها یی که از بیرون آمدند و افغان هایی که دراین جا هستند به وجود آید. کوشش بکنیم که راجع به این مسایل بحث وبررسی زیادی صورت بگیرد. ما امید وار هستیم که انشاء الله با سهمگیری همه در شرایط کنونی، برنامه هایی روی دست گرفته شود که آینده روشنی را برای افغانستان در قبال داشته باشد.

انشاءالله این کار را دوستان وبرادران ماحتماً مدنظر دارند.

سلام و تحیات قلبی من را به همه برادران مهاجر ما، سپاس وشکران همهء مارا برای همه شان برسانید و از یکایک تان تشکر می کنم واین که شما همیش در مبارزه وجهاد و مقاومت سهم گرفته اید و مثل سپاهیان بسیار دلیر و فداکار از جهاد ومقاومت دفاع کرده اید، و به حق دفاع کرده اید از شما سپاسگذاریم و به یقین درک شما و درایت شما یک درایت واقعی بوده است و ما امید وارهستیم که خداوند لطف بکند تا ثبات و استقرار در کشور استحکام پیدا کند و مردم افغانستان بتوانند اینده روشنی در پیش داشته باشند. دیگر وقت تان را نمی گیرم و از آمدن تان به این مجلس تشکر می کنم.

نوشته دکتر یوسف قرضاوی

حقیقت توحید

ایمان به خدا پایهٔ کلیه اعتقادات

قسمت دوم

اسلام زمانی ظهور کرد که شرک به همهٔ اطراف و اکناف جهان خیمه بر افراشته بود، و خدا را جز افرادی اندک مانند حنفیان جزیرة العرب که به شیوهٔ راستین باز مانده از دین ابراهیم علیه السلام پرستش می کردند، و بازماندگانی از اهل کتاب که از تحریفات شرک آمیزی که ادیان کتابی را فاسد کرده بود، در امان مانده بودند، کسی نمی پرستید، و کافی است بدانیم ملتی مانند عرب در عهد جاهلیت تا گلو در بت پرستی غرق بودند. حتی کعبه که آن را ابراهیم بت شکن (علیه السلام) برای عبادت خدای یگانه بنانهاده بود، در داخل و پیرامونش سه صد وشصت بت حضور داشت، و حتی در هریکی از خانه های مکه بتی بود که اهل خانه به پرستش آن می پرداختند.

بلکه امام بخاری از رجای عطاردی روایت کرده که گفته است: "ما سنگ را می پرستیدیم، وقتی سنگی بهتر از آن را می یافتیم، اولی را ترک می کردیم و به دومی روی می آوردیم! پس اگر سنگی نمی یافتیم توده یی از خاک را جمع می کردیم سپس گوسفندی رامی آوردیم و شیرش را بالای آن می دوشیدیم، بعداً پیرامونش به طواف می پرداختیم.!"

و شگفت تر از این آن که از "خرما" بتی می ساختند و پرستش می کردند و غالباً صاحبش آن را در اثنای سفر با خود حمل می کرد و وقتی توشه اش پایان می یافت و گرسنگی بر وی غالب می آمد چاره یی نمی دید مگر آن که بتش را بخورد! وقرآن کریم با اشاره به این نوع معبودان می گوید: **(و إن یسلبهم الذباب شیئا لا یستنقذوه منه، ضعف الطالب والمطلوب)** (۱) "واگر از آن (بت)، مگس چیزی را برباید نتوانند آن را از آن باز ستانند، نا توان گردد طالب و مطلوب یعنی عابد و معبود". و در کشوری نظیر هند در قرن ششم میلادی بت پرستی به اوج خود رسیده بود، به حدی که شمارهٔ خدایان در این وقت به ۳۳۰ میلیون تخمین گردیده است.

حتی بت پرستی با ادیان آسمانی در آمیخته و صفا و طهارت آن را مکدر و آلوده ساخته بود **(وقالت الیهود: عزیر ابن الله وقالت النصاری: المسیح ابن الله)** (۵) "یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست، و نصرانیان گفتند: عیسی پسر خداست" بنا بر این عیسی علیه السلام نزد مسیحیان خدایی است حق، زاده از خدای راستین دیگر!

عقیده یی که خدا دارای پسران و دخترانی است و آنان به تنهایی بدون خدا و یا با خدا مورد پرستش قرار می گیرند، نوعی از شرکی است که در میان بسیاری از ملت ها انتشار یافته بود، نظیر عقیدهٔ هندوان از قدیم دربارهٔ "کریشنا" و "بودا"، و مانند پندار عرب دربارهٔ فرشتگان که می گفتند: آنان دختران خدایند! در این مورد قرآن کریم می گوید: **(وقالوا: اتخذ الرحمن ولداً، سبحانه، بل عباد مکرمون، لا یسبقون بالقول، و هم بأمره یعملون، یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم ولا یشفعون إلا لمن ارتضی و هم من خشیته مشفقون)** (۶)

"گفتند: خدا فرزند گرفته است، پاکی او راست، بلکه آنان (فرشتگان) - که اینان در بارهٔ آنان چنین پنداری دارند- بندگانی گرامی اند، در گفتار برخداوند پیشی نگیرند، و آنان به فرمان وی کار کنند. خداوند آنچه را پیش از این انجام داده اند و آنچه را بعد از این انجام می دهند می داند و (فرشتگان) جز آنان را که خدا راضی شده است شفاعت نمی کنند و آنان از ترس او در هراس هستند".

به همین دلیل اسلام توجه زیادی به فراخوانی به توحید الهی از نظر علمی و عملی و مبارزه علیه شرک اعتقادی و عملی مبذول داشته است.

(والهکم إله واحد، لا إله إلا هو الرحمن الرحیم) "و معبود شما خدای یگانه است، نیست هیچ معبودی راستین مگر او که بخشاینده مهربان است".(۷)

رهنمونی فطرت به یگانگی خداوند متعال

همه دلایل فطری و عقلی و نقلی به وحدانیت و یگانگی این معبود گواهی داده است. انسان اگر بدون مداخله و تلقینی از خارج به فطرت و آفرینشش گذاشته شود خویشتن را در برابر یک نیروی عظیم ما فوق انسان و هستی منقاد می یابد که در امید و بیم او را می خواند، به ویژه آن گاه که مصایب بروی تنگ گیرد و دشواری ها مورد هجومش قرار دهد، و او از یاری مردمان پیرامونش دست شوید، در چنین حالتی به اخلاص و درستی به پروردگار خویش روی می آورد، و همهٔ آنچه را که به دان امید بسته است، ترک می کند. و خدایان دروغینی را که به وهم یا جهل یا هوای نفس یا تأثیر محیط از انسان ها یا حیوانات و نباتات یا جمادات به خدایی گرفته و بدان ها امید بسته بود، ترک می کند!

و این مسأله یی است که قرآن کریم ضمن داستان سرنشینان کشتی در حال غرق شدن بدان اشاره کرده است: **(حتی إذا کنتم فی الفلک وجرین بهم بریح طیبه و فرحوا بها جاء تها ریح عاصف وجاء هم الموج من کل مکان، وظنوا أنهم أحیط بهم دعوا الله مخلصین له الدین: لئن أنجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین)** (۸)

"تا وقتی که شما در کشتی ها باشید و کشتی ها به واسطهٔ باد خوش به حرکت افتد و سرنشینان به آن باد شادمان گردیدند ناگهان باد تندی به آن کشتی ها فرا رسد و از هر سوی آنان را موج فرا گیرد و پندارند که از هر سو گرفتار گشته اند، خدا را مخلصانه فراخوانند، عبادت را از آن او دانند، (گویند) اگر ما را از این بلا نجات دادی مسلماً از سیاسگزاران باشیم".

قبلاً این آیت کریم را به عنوان دلیلی بروجود خدای تعالی ذکر کردیم، و این خود دلیلی به یگانگایش نیز هست، زیرا انسان زمانی که از تأثیر عوامل عارضی برکنار بماند و به فطرت بی آلایشش باز گردد، در اوقات سختی و ناگواری بت و خدایان دروغین را به یاری نمی طلبد، بلکه به سوی خدای یگانه، پروردگار همهٔ کاینات روی می آورد، آن طور که خدای تعالی در وصف روانشناسی این مشرکان گفته است:

(دعوا الله مخلصین له الدین)

"خدا را مخلصانه فرا خوانند و عبادت را از آن او دانند".

۱.سوره بقره : ۲۸۵
۲.سوره بقره : ۱۷۷
۳.سوره نساء : ۱۳۶
۴.سوره انعام : ۱۰۴-۱۰۲
۵.سوره توبه : ۳۰
۶.سوره انبیا : ۲۶-۲۸
۷.سوره بقره : ۶۳
۸.سوره یونس : ۲۲

ماه مبارک رمضان

و چشم اندازی بر زندگی در شهر

رمضان، این ماه تزکیه نفس و ماه مبارک را هموطنان ما امسال دور از تحمیل و استبداد طالبان، در آزادی تمام انجام می دهند. هموطنان ما اعم از غنی و فقیر با آذان شام و با استدعا به دربار خداوند لایزال افطار می نمایند و شبانگاه عبادت خداوند را با انجام نماز تراویح و ختم قرآن عظیم الشان به جا می آورند.

گذری به شهر می کنیم و نگاهی به زند گی روزمره هزاران تن از هموطنان مان . می افکنیم.

شب دهم رمضان است. در اکثر مساجد شهر ختم قرآن عظیم الشان صورت می گیرد. در مسجد جامع شیرپور تعداد نماز گذاران زیاد تر از گنجایش مسجد است. تعداد زیادی با وجود سردی هوا در صحن مسجد به ادای عبادت خداوند (ج) می پردازند. آخرین پاره از کلام خداوند ضمن نماز تراویح ختم گردید. هرکسی با خود نقل و شیرینی آورده بودند، تا منحیث اشیای تبرک آن را با خود ببرند.

از جانب اداره حج و اوقاف حسب معمول شیرینی و نقل اهدا گردیده بود که برای نماز گذاران در ختم نماز توزیع گردید.دراین ماه مبارک شهر تصویر دیگری دارد. صبح هنگام مردم با ذهن بسته و نیت انجام عبادت خداوندی هر یک به سوی کار و وظایف شان می شتابند. نوسان پول افغانی و بلند رفتن نرخ اسعار (دلار و روپیه) بیشتر باعث تشویش هموطنان ما می باشد. در شهر همه داد و ستد به صورت عمده و پرچون با روپیه انجام می یابد و هر لحظه نرخ اسعار در بازار صرافی شهر تغیر می یابد و پول افغانی ارزش خود را از دست می دهد که این خود بر قیمت مواد مصرفی در شهر تاثیر آنی و مستقیم می گذارد. از این نوسان پول بیشتر هموطنان ما که مصرف کنندگان یا خریدارند زیانمند می گردنداین خودبر روال زندگی عادی هموطنان ما تاثیر ناگوار می گذارد.

دراین ماه مبارک هریک از مومنین می خواهند با دستمزد حلال سفره شان را رنگین سازند. اما بلند رفتن نرخ مواد ارتزاقی و مصرفی باعث آن گردیده است که هموطنان ما با مشکلات زند گی دست و پنجه نرم کنند.

در نقاط مختلف شهر نرخ مواد اولیه ارتزاقی متفاوت است.

قصابی های شهر هر یک با نرخ دلخواه شان می خواهند گوشت را عرضه نمایند. اما از کنترل نرخ ها در شهر خبری نیست. موظفین کنترل قیم شاروالی کابل چنان به نظر میآیندکه گویا کنترول قیم را از یاد برده اند. شاروال و معاونینش همراه با کمره تلویزیون می خواهند شیوه کنترل قیم را به نمایش گذارند که به هیچ وجه تأثیری بر ثبات نرخ ها نگذاشته و نمی گذارد. چنین شیوه ها شیوه کاری و موثر نمی باشد ، شاروال کابل با اقدامات عملی و دلسوزانه می تواند بر کنترل قیم در شهر فایق آید.

با گذشت هر روز از روز های ماه پربرکت رمضان مردم ما آمدن 'ایام پرسرور وشادی عید' را انتظارمیبرند. روز های نزدیک به عید در صورتی که کنترل بر قیم وجود نداشته باشد وضع قیمت ها و اضافه ستانی در نرخ ها بیشتر از این خواهد بود. بر شاروالی کابل است تا در این روز ها با اقدامات عملی وموثر جلو چنین اضافه ستانی ها رابگیرد: تا هموطنان ما با خاطر آسوده بتوانند برای روز های عید سفره هایی را رنگین وجامه نو برتن کنند.

مردم در این ماه عبادت که شبانگاهان برای سحری برمی خیزند و شامانه در انتظار افطار روزه می باشند ارزو مند آن بودند تا وعده های مقامات وزارت آب وبرق عملی خواهد گردید و مردم از نور برق مستفید خواهند گشت. اما واقعیت بر خلاف آنچه وعده داده شده بود جنبه عملی بخود گرفت. مسوولین ریاست برق کابل چنان برنامه یی را درماه مبارک رمضان طرح و عملی نمودند که هموطنان ماباید در تاریکی شب افطار نمایند و در تاریکی شب سحری کنند و نمازصبح را هم باید در تاریکی شب ادا نمایند.

در نقاط مختلف شهر این پروگرام به صورت های گوناگون عملی می شود . محلاتی که محل سکونت مقامات عالی دولتی است، آنها می توانند برای همیش صاحب برق باشند، اما این برنامهٔ ریاست محترم برق بیشتر در ساحاتی که مردم عوام سکونت دارند جنبه عملی به خود می گیرد، زیرا صدای مردم شنونده یی ندارد و مسؤولین برق هم از آن هراسی ندارند.

مرکز شهر گرمی خاص دارد. از ساحه فروشگاه و مندوی کابل به مشکل می توان گذشت. هر یک از دکانداران و فروشندگان مصروف کار خویشند، خریدار ها می شتابند تا جنس مورد ضرورت شان را خریداری نمایند. این گرمی بازار و این ازدحام مردم حکایه از فضای صلح واطمینان می کند که مردم ما در پرتو آن می توانند زنده گی شان را به صورت آرام درفضای صلح و امنیت به سر رسانند. واین یکی از ویژگیهای این رمضان نظر به رمضان های دیگر است.

مجاهدین در مسکو

عبدالله فرامرز

مجاهدین در مسکو عنون کتابی است حاوی اسناد معتبر مذاکرات مجاهدین با رهبران شوروی وقت که با قلم گزارشگران این مذاکرات فضل الرحمن فاضل و فیض الرحمن وثیق در ۱۰۷ صفحه با قطع و صحافت جالب توسط بنیاد پژوهشهای علمی و فرهنگی در چاپخانه، میوند اقبال چاپ یافته است.

کتاب در بر دارنده، عناوین مهمی چون "جریان مذاکرات با معاون رئیس جمهور روسیه"، "مذاکرات با وزیر خارجه، اتحاد شوروی" "کار برای اعلامیه، مشترک" و "الهام امیر ازبکستانی" متن مهم ترین اسناد درباره، یک برهه مهم از تاریخ معاصر افغانستان را ارایه داده است.

کتاب در ظاهر کوچک با تعداد صفحات محدود، عظیم ترین بار هدفمند و پیام دهی را در بر دارد.

ورود هیأت مجاهدین به مسکو به رهبری استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان همچنان که برای نویسنده گان محترم جالب توجه،و هیجان بر انگیز و وجد آور است، خواننده را نیز بدون شک به یکی از تحسین بر انگیز ترین نوع حضور حق در برابر باطل و عبرت آموز ترین نوع حضور مردم مظلوم اما فاتح دربرابرظلم آشنا می کند.

خواننده در صفحات این متن به ظاهر گزارشی، بی تکلف وساده چنان عمق معانی و ژرفای اندیشه و باور دینی را لمس و احساس می کند که گویی نمایش زبردستی بر پرده آمده باشد و بازیگران زبردستی نیز آن را به نمایش می گذارند.



متن کتاب، لبریز از باور و آگاهی حکمت آمیز در باب مقاومت و جهاد بر حق ملتی است که دنیای متمدن به پیروزی وی چندان معترف نبودند و غول مهاجم کمونیستی حتی تصور آن را که روزی ا ز نماینده گان این مردم برهنه پا در مرکز فرماندهی خویش مجبور به پذیرایی خواهند بود، نیز نداشت.

در متن صفحات نخستین کتاب از زبان استاد برهان الدین ربانی چنین می خوانیم: "...ظاهراً زعامت شوروی از اصرار خود بر باقی ماندن نجیب و رژیم مزدور او منصرف شده است و ما امیدواریم که در مذاکرات با روس ها پیش رفت صورت گیرد. مذاکره با شوروی کوتاه ترین راه برای رسیدن به صلح می باشد، اما در این صورت ما بیش از حد خوشبین نیستیم."

در زمانی که مذاکرات صورت می گرفت: (عقرب ۱۳۷۰ هجری شمسی مطابق نوامبر ۱۹۹۱ میلادی) کمترکسی در صف مخالف مجاهدین یا در میان مردمان به ظاهر متمدن جوامع غربی، به این قابلیت دیپلوماتیک رهبران جهاد مردم مسلمان افغانستان باور داشتند.

خواننده وقتی صفحات کتاب را عبور می کند، به روشنی در می یابد که رهبری هیأت مجاهدین، چگونه استعداد و مهارت لازم دیپلوماتیک برای اظهار حقایق دارند، و چگونه می توانند بر موانع کار مذاکرات فایق آیند و چگونه می توانند، از فرصت های مساعد موجود خواه در پشت میز مذاکره، خواه هنگام ملاقات با اولیای اسرای شوروی در افغانستان، یا هنگام ادای نماز در مسجد جامع مسکو به طرز شایسته و نیکو بهره ببرند.

هیجان انگیزترین جملات و کلمات را می توان در این برگ های مختصر خواند، همچنان عبرت آموز ترین گفت و شنودها میان دوطرزدید، دو ملت و دو فرهنگ را در سطور به هم پیوسته، آن می توان ملاحظه کرد و به خوانش گرفت.

الهام سرباز اسیر ازبکستانی، در تداوم جهاد مردم افغانستان دگرگون شده است. وی همسفرهیأت تا جده عربستان سعودی بوده است. اعتراف روتسکوی به گناه و شرمساری وی در برابر مردم افغانستان به دلیل اعزام نیروهای شوروی به افغانستان، استقبال مردم مسلمان روسیه در مسجد جامع مسکو، از رهبران جهاد و مقاومت افغانها، مراجعه، دلخراش و جگرسوز مادران سربازان اسیر که به هتل محل اقامت هیأت نمایندگان مجاهدین آمده اند، با حالت غم انگیز که نشان دهنده نتایج اسف بارگناهان رهبران وقت در کرملین است.

خلاصه اینکه خواننده، عزیز، خود باید بخواند، خود باید اندیشه کند و خود باید احساس و لمس کند، در صفحاتی به این محدود چه مقدار عظمت، ارزش و حقیقت نهفته است.

من مطالعه، این کتاب جالب و خواندنی را به شما توصیه می کنم و برای نویسندگان محترم توفیق مزید مطالبه می نمایم.

لویه خدایه (ج)

نقیب احمد «صادق»

لويه خدايه ستا دميني ښه صفت را
داسلام په شعايروصداقـــــت را
قناعت را ته په خپلـــه برخه راکړي
په دا لارکي رســـا فکر ښه دقت را
له حرامه روزي نه غوارمه ربـــــه
له حلاله دسترخوانه ښه نعمـــت را

په ليدوچي دزخمي زړونو کـــړيږم
هغه زړه او هغه ديد دبصـــيرت را
تعصب او بدبيني راځني واخــــله
دنفاقه له شقاقه نه نفـــــرت را
په دښمن موږه غالبه لري خـــدايه
دجهاد عالي صفت ثبات قـــوت را
دغه رنګه مينه جوړه د افغـــان کړي
دا ؛ ارمان مي د «صادق» په محبت را

آنک نان

پرتو نادری

های، ای نقاش،
ساقه ی سبز و بلند جنگل بهزاد
همتبار راستین، من
هر سخن با تو که میگویم
همچنان آیینه از خورشید لبریز است
ای زبانم از زبانت آشنا از دیر

●●●

جز تو آیا با کسی دیگر
میتوان این درد را گفتن
آخراین جاکودکم هر بامدادان گریه آغازد
آخرین جا این خروش بامهای فقر
بانگ درد آلود خود را میدهد پرواز
در غبارین لحظه های تیره از آغاز

●●●

کودکم هربامدادان با گلوی فقرمی خواند
لیک این جا جز من و جز یک زن بیمار
کس نمی گرددزخواب خویشتن بابانگ اوبیدار
های، ای نقاش
شاخه ی سبز و بلند جنگل بهزاد-
تو مگر آیا نمیدانی
این گرسنه کودک غمناک
تا کجاها بوی نان را برده است از یاد

●●●

گر به دستانت توانی هست
یاکه مرغ آفرینش را میان پنجه هایت آشیانی هست
نقش نانی یاکه آنجابرپرندذهن توباقیست
های، ای نقاش
ای برادر،

ای پدر،
ای جان
تو گره از کار من بکشای
نقش نانی ریز
از برای کودک من بر سپید روشن کاغذ
تاشبی دزدانه از چشمان آن کودک
من بکوبم تابلویت رابه روی سینه، دیوار
چون دیگر باره بگوید نان
من برایش بگویم آنک نان،
آنک نان
اوشودخاموش وبرتصویربیندخیره وحیران.

شعر سپید (شاملویی / شعر منثور)

بخش چهارم

محمد اسحاق فایز

در ادبیات فارسی — دری شعر سپید (منثور/شاملویی) به آن اشعاری اطلاق می گردد که دارای وزن و قافیه بصورت عمومی نیستند.

شاعر در سرودن شعر سپید مکلف به بکار بردن وزن در اشکال سنتی و نیمایی آن نیست، ولی یک نوع ایقاع یا ریتم (ایقاع: در لغت به معنی افگندن و در انداختن است و در شعر عبارت است از توجه به جنبه های صوتی و موسیقایی کلمات است که آهنگهای خاص در کلمات ایجاد می کند...

ایقاع زمانی حاصل می شود که شاعر در به کار گیری کلمات خود [illegible] عمل کند که توالی [illegible] منظم [illegible] باشد [illegible] آهنگ را ایجاد می کند). از لحاظ انتخاب واژه ها در آن مراعات می گردد.

اصطلاح شعر سپید زمانی در ادبیات فارسی دری ظهور کرد که تعدادی از مترجمان اشعاری از شاعران جهان غرب را به زبان فارسی — دری ترجمه کردند. معلوم است زمانی که شعری از زبانی بر گردان می شود، وزن و قافیه آن نیز بر هم میخورد و صورت شعری آن از میان می رود.

شعر سپید و یا منثور نیز مانند شعر نیمایی ساختار خاصی ندارد و شاعر می تواند شعر خود را گاهی با یک کلمه آغاز [illegible] مصراع های دراز و کوتاه دیگر [illegible]

این مصراع های کوتاه [illegible] گذاشته می شوند ودر آن از (قاعده نردبانی) استفاده به عمل می آید.

در شعر سپید هم صور خیال، استعاره، تشبیه و غیره بکار می رود یعنی شعر منثور بی آنکه از نظام خاصی پیروی کند دارای عناصر شعری می باشد.

در شعر سپید، ایجاز و فشردگی و کوتاهی جداً مراعات می گردد و این ممیزه از وجوه تمایز شعر سپید با نثر شاعرانه است که در ادبیات دری سابقه دارد [illegible] سعدی بهروی [illegible] شاعرانه می [illegible] سپید برای [illegible] مطالب [illegible]

حتی شعر آزاد نیمایی و دنیایی باز و وسیع تری برای بیان مطلب دارد زیرا رهایی شاعر از قید وزن و قافیه به شاعر این مجال را میدهد که با بهره گیری [illegible] زنده، متحرک و [illegible] برداشت [illegible] خاص خود را از [illegible] طبیعت و اجتماع بیان کند.

چهره [illegible] [illegible]

نمونه یک شعر سپید (شاملویی)

سرود برای مردی که به سایه رفت

قناتـ[illegible] وار
[illegible] بود
[illegible]
چون [illegible]
[illegible]

بر قفل معجرهای عتیق
دندان فرسوده بود.
بر پرت افتاده ترین راه ها
[illegible] کشیده بود
[illegible]
[illegible]

●●●

[illegible]

ع، وطندار

لزوم اجتناب از شعارهای بی شعور

اگر ما خواهان رفع مشکلات حاکم بر کشور خود باشیم، اولتر از همه لازم است بدانیم که ما چه ارزشهای زندگی ساز را از دست داده ایم و جامعهٔ ما به چه چیز ها نیاز دارد، یا به اصطلاح عصری تر اولویتهای جامعه خودرا بدانیم. با توجه به سیر حوادث و جریانات تاریخی ملتها، مللی به موفقیتها نایل آمده اند که غیر شعوری وبرای خرسندی دیگران شعار نداده اند، شعاری که نیاز حیات اجتماعی شان نیست، شعاری که نمی تواند مشکلات حاکم برجامعه را رفع و نیازمندي‌ها را بر آورده سازد، به گونهٔ مثال اگر طبیب نتواند علت بیماری یک بیماراتشخیص کند چه دارویی می تواند برای درمان او تجویز کند، بناءً تداوی یک شخص بیمار دوچیز لازم دارد:

نخست، تشخیص درست وبه موقع.

دوم، تداوی لازم.

خیلی از بیماریها ست که اگر بعد از فوت فرصت به صورت لازم تشخیص هم شود، سودی نمی بخشد ویا اگر تشخیص درست و به وقت هم شود ولی داروی لازم برای آن تجویز نشود، نیز به صحت یابی بیمار کمکی نمی تواند بکند، به حرف یکی از دانشمندان بزرگ جهان اسلام، مارکس وانگلس تصویر درستی از بیماری جامعه خود ارائه کردند ولی چون نتوانستند برای تداوی آن داروی لازم تجویز کنند بناء وضعیت آن جامعه خرابتر شده رفت و از بطن کاپیتالیزم، سوسیالیزم و کمونیزم سربلندکرد.

ما باید پس از یک عمر اندوخته ها و تجارب ، نباید چشم بسته شعار بدهیم و ندانیم که این شعار ما را و جامعه ما را به کدام سو مي برد و فردای ما چه خواهد شد!

ما فعلا نیاز داریم تا :

اولاً ، در مورد رنجها و آلامی که در بیست و چهار سال گذشته بر سر ما گذشته است عمیقاً فکر کنیم به گونهٔ و علل آن را در یابیم وریشه یابی کنیم ، مثال ،آیا علت سبز شدن شجره خبیثه کمونیزم در کشور ما چه بود و چرا یک عده از جوانان ما فکر کردند جامعه بیمار ما می شود توسط زقوم کمونیزم تداوی شود!

چرا در کشور ما کودتاهای پی در پی کمونیستی به وقوع پیوست و مسکو چگونه توانست با تعویض چهره ها و مهره ها یک و نیم دهه بر کشور ما حکومت نماید!

آیا تجارب گذشته ایجاب نمی کند تا فکر کنیم که نباید مانندی که دیروز گروه های کمونست ساخت مسکو شعار های غیر شعوری دادند وامروز اکثر افراد مربوط به این گروه ها که اذهان شان کاملاً مسخ نشده است از گذشته نادمند شعار غیر شعوری ندهیم ، گر چه براساس مقوله عربی هر چیزی جدید دلپذیر است ولی عقل سلیم حکم می کند با هر پدیدهٔ جدید باید از راه تعقل و سنجش بر خورد کنیم نه اینکه به هر جدید بدون تعقل آغوش بکشای ، اگر از تعجیل کار گرفتیم ، فرداهمه پشیمان خواهیم بود و هم زیان خواهیم دید.

افغانستان اگرچه یکی از کشورهای فقیر دنیاست ولی به عنوان یک کشور تاریخی اندوخته و تجارب فراوان تاریخی دارد که باید از آن استفاده نمود، حرف مهم این است که باید نیازمند یهای خود را در ک کنیم وراه های معقول رفع این نیازمندیها را بدانیم . من نمی گویم که باید با پدیده ها جدید یک سره بر خورد منفی کنیم، اما کم از کم باید بسنجیم که تا چه حد به این پدیده های جدید که اکثر با وجود عنوان جدید ، خیلی کهنه شده اند نیاز داریم یانه، ما نباید هر طبیب را معالج امراض اجتماعی خود بداینم و نه هر دارو را علاج در دهای خود بشناسیم به سخن اقبال:

نه هرکه شوق بتی کرد، بست زناری
صنم پرستی و آداب کافری داند

یکی از دانشمندان افغانستان گفته است: یکی از اشتباهات ما در گذشته آن بود که ما "تجدد" را "تمدن" فکرمی کردیم.

تجددی که درمانگر آلام ما نبود.

یک مشکل اساسی ما این است که بر اثر کودتاها ی کمونستی و تجاوز اتحاد شوروی پیشین در افغانستان تعداد زیاد افغانها که تعداد شان به میلیونها می رسد وکم از کم نصف ویا بیشتر از نصف جمعیت افغانستان را تشکیل می دادند به مهاجرت به بیرون از مرزها کشور وا داشته شدند، عده یی به کشور های همسایه و عده یی به کشور های اروپا و امریکا ودیگر کشور ها آواره شدند که مسلماً در محیطها و شرایط نا همگون زندگی کردند و در اکثر کشورها در شرایطی به سر بردند که به خصوص اطفال وجوانان شان از آشنایی لازم با ارزشهای دینی و ملی ما یا کلاً یا تا حد زیادی محروم ماندند واگر امروز و فردا با عادی شدن حالات و شرایط زندگی سیاسی واقتصادی و اجتماعی و تعلیمی و... به کشور بر می گردند، بدون شک با اثر پذیری از فرهنگهای متعدد بیرونی بر می گردند وشاید تامدتی هم این اثر پذیریها با ارزشهای فرهنگی وملی جامعه ما در تصادم باشند.

در داخل کشور هم با از بین رفتن یا متضرر شدن بنیاد های فرهنگی کودکان وجوانان به صورت سالم تربیه نشدند وفراگیری اساسات مارکسیزم – لنینزم در همه مؤسسات بر مردم ما تحمیل شد که زیان های آن را نمی توان نادیده گرفت، مردم ما از روی اجبارسالها شعارهایی را سرمی دادند که مفهوم آن را نمی دانستند. این حرف خیلی هم حیاتی است، وقتی شعار انتخاب می کنیم بایدآن در چهارچوب ارزشهای دینی و ملی کشور ما و نیاز مندیهای جامعهٔ ما باشد و به تعبیر زیبای یکی از استادان باید در همه حال و احوال روایات متعالی کشور خود را در نظر داشته باشیم.

خدا نخواسته نشود که این بار نیز با انتخاب شعارهای نا معقول و غیر ضروری دستخوش طوفان دیگری شویم که آنگاه داشته های اندک خودرا هم از دست خواهیم داد وفردا پشیمانی سودی نخواهد بخشید، بخشی از ملت ما یک بار نا آگاهانه در آغوش شعار های چپی و ناسیونالیزم منفی وامثال آن فروغلتیدند، نشود این بار باز شماری فریب شعار های میان تهی را بخورند که به صورت قطع جوابگوی نیاز مندیهای جامعهٔ ما نیست ، باید هوشیار بود وآگاهانه گام بر داشت و بر مصداق حدیث مبارک پیامبر گرامی صلی الله علیه و سلم نشود که " از یک سوراخ دو بار گزیده شویم"

باید در همهٔ حالات فراست مؤمنانهٔ خودرا حفظ کنیم واز "خودی" خود بیگانه و دور شویم.

پول جدید در بحران...

حالا که پول جدید به دوران و چلند افتاده است ما در سر راه یک عمل انجام یافته قرار داریم و باید گردانندگان عرصه‌ء امور اقتصادی مملکت تلاش جدی نمایند تا هرچه زودتر جلو سقوط ارزش پول جدید و صعود نرخها را بگیرند زیرا تداوم این دو پدیده بار گرانی است که قامت شکسته مردم افغانستان را هموار می شکند و فریاد ملت را به آسمان بلند می کند.

یقیناً اگر دولت اکنون بتواند از این ورطه هولناک جان سالم بدر شود، بزرگترین موفقیت را به دست خواهد آورد و موجبات تحکیم پایه های اقتصادی مملکت را فراهم خواهد کرد.

با در نظر داشت اوضاع جدید و پول جدید هرچه زودتر باید تمام پول کهنه از مملکت جمع گردد. [illegible] بخصوص نظر دوکتور انوار الحق احدی رئیس بانک مرکزی را جویا شدیم و گفت: خوشبختانه همین اکنون کار مبادله پول های کهنه و جدید در سی و سه ولایت [illegible] جریان دارد و [illegible] ملیارد افغانی پول کهنه [illegible] می گردد.

به قول آقای احدی [illegible] سراسر افغانستان به همین منوال ادامه یابد، ما می توانیم تا ۱۲ جدی پول کهنه را کلا جمع کنیم.

تازه ترین رقمی که در خصوص جمع آوری و سوختاندن پولهای کهنه به دست آوردیم رقم (۹۰۰۰) ملیارد افغانی بود که به قول آقای احدی به همین مقدار پول کهنه تا حال جمع آوری و سوختانده شده است.

آقای احدی ضمناً گفت که قرار محاسبات ما در سراسر کشور در حدود (۱۵) هزار ملیارد افغانی پول مختلف النوع درجریان است که با سنجش ما، در وقت معینه انشاء الله ما قادر خواهیم شد تا آن را جمع آوری و [illegible] سازیم. رئیس بانک مرکزی افغانستان بروز بحران ارزش را در بازار [illegible] اقتصادی نمی داند و معتقد است که این بحران از آن جا ناشی شده است که مردم تا هنوز به این باور نیستند که همه پولها مبادله خواهد شد.

پس از یک ماه ونیم از کار مبادله پول های کهنه و جدید [illegible]

یکی از صرافان [illegible] افغانی [illegible] افغانیگی) اکثراً توسط صرافان به چوک یادگار منتقل شده اند. و این کار خیلی نگران کننده است.

از آقای احدی دراین خصوص پرسیدیم اوگفت: تعداد زیادی از تاجران افغانستان در پاکستان به کار های اقتصادی مشغول اند اگر این پولها به خاطر کار تجارتی به خارج می رود مایه تشویش و نگرانی نیست ولی اگردراین مورد مسائل سیاسی مطرح باشد آنگاه تشویش آوراست.

احدی گفت در هردومورد ما منتظر نیستیم، این وظیفه مسؤلان امنیتی است که جلو خروج پول افغانی را از داخل مملکت بگیرند.

همین اکنون در اضافه از (۱۰۰) غرفه در شهر کابل مبادله پولهای کهنه [illegible] جریان دارد [illegible]

[illegible] بحران قیمت ها درافغانستان تداوم خواهد یافت.

نگرانی دیگری که در میان مردم وجود دارد مسأله خیانت وعذر در کارسوختن پولهای کهنه است. این نگرانی زمانی شدت یافت که دولت اعلان کرد تعدادی را که می خواستند پولهای کهنه را از کوره دوباره به بانک بیاورند دستگیر کرده اند. این خبر شایعه موجود در میان مردم را که گویا هزاران ملیون افغانی را [illegible] مرکزی [illegible] می کند تقویت کرد. [illegible] در امر سوختاندن پولهای کهنه [illegible]

[illegible] کارهای صورت گرفته است(زابل) و مادر مورد تصامیم دقیق اتخاذ کرده ایم.

پس از گذشت یک ونیم ماه هنوز چهره بانکنوت های (۱۰۰) افغانیگی و (۲۰۱) افغانیگی در هاله از ابهام پنهان است.

یکی از دست اندرکاران بانک مرکزی افغانستان که خواست نامش فاش نشود گفت: بانکنوتهای [illegible] عناوین (دافغانستان اسلامی امارت) [illegible]

محسن خان تاجر ادویه عقیده دارد که سپردن پولهای کلان از سوی بانک مرکزی به صرافان کار نا معقول است او می گوید که حتی دولت اشتباه می کند که برای مهار کردن سقوط ارزش افغانی ، دلار های زیادی را به بازار عرضه می کند [illegible]

جهانی شدن

حلقه وصل "پایان تاریخ" و "جنگ تمدن ها"

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

اشاره: در حلقه پیشینه، این موضوع پیرامون تحولات دهۀ هشتاد و آغاز دهه، نود وفروپاشی کمونیزم و تشویش اروپا در باره آینده جهان و ظهور پژوهش ها که مهمترین آن ها تیوری پایان تاریخ "فوکو" و "جنگ تمدن های" هانتنگتون بود، اشاره شدکه جهانی شدن بحث حلقه وصل و یا به بیان دیگر فرزند این دو نظریه، بحساب می رود. "فوکو" در تیوری خویش، لیبرال دموکراسی را بلند ترین چکاد توسعه و تحول اندیشه قلمداد کرد و پیروزی آن بر کمونیزم را پیروزی بر همه ایدیولوژی های دیگر خواند و گفت: جوامع بشری چاره یی ندارند جز اینکه یا در زیر چتر لیبرالیزم قرار گیرند و یا با پناه بردن به ایدیولوژی های دیگر خود را در حاشیه تاریخ قرار دهند، در این حلقه تیوری جنگ تمدن ها را بخوانش می گیریم و آن را در روشنایی نظرهای هانتنگتون بررسی می کنیم.

طرح دوم در راستای جهانی شدن همانا "جنگ تمدن ها و بازخوانی نظم نوین جهانی ساموئیل هانتنگتون" است[1].

پژواک این طرح در جهان عرب و در جهان اسلام بصورت عام، بسی بزرگ و گسترده تر از تیوری پایان تاریخ بود، این نظریه به سان تیوری پیش از آن، برنامه ریزی یی بود از سوی غرب برای آینده آن در رابطه با نحوه، برخوردش با ملتهای دیگر، پس از فروپاشی امپراتوری کمونیزم.

تیوری میشل فوکو "پایان تاریخ" در گام نخست بر حاکمیت و سیادت لیبرالیزم و بر انگیختن دیگران به جاگزینی، در زیر چتر آن، پا می فشرد.

اما تیوری هنتنگتون خواهان دشمنی غرب در برابر کسی میباشد که، احتمال قرار گرفتن او در آینده، در برابر لیبرالیزم متصور است.

مهمترین چیزیکه در این تیوری توجه را بخود معطوف میدارد، درک این موضوع است که: "جنگ ایدیولوژیکی میان دو فلسفه "لیبرالیزم و کمونیزم" مرحله ای بود استثنائی که پایان یافت، حرکت تاریخ اکنون به مسیر اصلی خود که همانا جنگ تمدن ها ست، برخواهد گشت.

از نظر "هانتنگتون" خاستگاه جنگ تمدن ها، تمایز و اختلاف آن ها در زبان و تاریخ و فرهنگ و عرف و عادات بوده است که نقطه محوری همه آن ها، دین است.

اختلاف در این عرصه ها بیشتر از اختلاف در ایدیولوژی سیاسی و اقتصادی است.

"هانتنگتون" جهان را به هفت و یا هشت تمدن تقسیم کرده که عبارتند از تمدن های غربی وچینی کنفسیوسی و جاپانی و اسلامی و هندی و ارتودکسی، اسلاوی، امریکای لاتین و افریقائی".

هانتنگتون آنگاه بیشتر بر این امر پافشاری می کند که می گوید: "محور این جنگ در آینده، نزدیک، جنگ میان غرب و کشورهای اسلامی و آسیائی خواهد بود".

او به حرکت از یک دید تاریخی می گوید: "در درازای خط فاصل میان دو تمدن غربی و اسلامی، که سیزده قرن را فرا می گیرد - با آن همه همکاری میان غرب و دولت های اسلامی- جنگ تمدن ها بوده است"

به همین سان "هانتنگتون" با حرکت از یک دید واقعگرایانه، به این امر نگاه می کند و می گوید: "غرب اکنون که در اوجنای نیرومندی خویش قرار دارد با دیگران -غیر غربیان- روبرو می شود که از شور وشوق، اراده و جان مایه های تشکیل دهنده جهانی برخوردارند، نه به شکل غربی آن.

تحول از غربگرایی به اصالت خویش نزد مسلمانان، به حیث یک گرایش نه تنها نزد توده های مردم وجود دارد که در نزد نخبه گان رهبری این توده ها نیز موجود است.

"گروه های نخبه دوران های گذشته در جوامع غیر غربی، اکثراً با غرب پیوند داشتند و یا غربگرا بودند، به خاطر آنکه تحصیل یافتگان دانشگاه های اکسفورد و سوربن بودند" و از طرز دیدها و ارزش های آنان، عطش خود را فرو می نشاندند، حال آنکه توده های مردم از فرهنگ های محلی سیر و سر شار بودند.

اکنون جهت گیری گسترده یی به سوی باز گشت به فرهنگ اصیل اسلامی در میان گروه های نخبه کشورهای غیر غربی کاملاً ملموس و مشهود است".

حالا غرب، چه برنامه ای را باید، در برابر تمدن های مختلف و متمایز از تمدن غربی براه اندازد؟

"هانتنگتون" به این باور است که باید غرب به نیرومند سازی و تقویه خویش در میدان های نظامی، تکنولوژیک و فرهنگی ادامه دهد و موقف دشمنانه خود در برابر دو تمدن اسلامی و چینی و کنفسیوسی را هم چنان ثابت نگه دارد، تا توانمندی های مقاومت آنان مهار شود و به ایجاد خلل در کارشان بپردازد.

اما در مورد تمدن های دیگر، می سزد که یا آن ها را در آغوش تمدن غرب جای داد، بویژه آن تمدن هایی را که به تمدن غربی -چون امریکای لاتین- نزدیک و همخوانی دارند و یا در راستای بیطرف قرار دادن آن ها و کار غیر عجولانه در هضم و احتوای چنین تمدن ها، انجام داد.

هدف پایانی این همه تلاش ها ابقای تمدن غرب و فرهنگ آن بحیث فرهنگ حاکم و طلایه دار جهان و سمت و سوق دهنده حرکت آن است و بس؛ چه از طریق سازمان های بین المللی انجام پذیرد که ملت های دیگر هم شکلاً در اجرای آن در چارچوب حاکمیت ارزش های غربی و تأمین منافع آن، مشارکت داشته باشند و یا از طریق همینه و هجوم مستقیم استعماری هنگام نیاز به آن، جامه تحقق به تن کند[2].

این خط تیوریکی جنگ تمدن ها که در این جا از نظر ما گذشت امری است بس مهم. بسا فرهنگیان معاصر این نظریه را مردود اعلان کردند و صراحت این نظریه پرداز معاصر غربی از موقف غرب در برابر مسلمانان آنان را شدیداً شوک داده است.

یقیناً چنین موضعگیری در درجه نخست، بر اختلاف دینی و فرهنگی استوار است.

فرهنگیانی که بخاطر خشکانیدن ریشه دین در روح خود و احساس ملت خویش - به این باور اند که همین دین باعث انحطاط بوده است- سعی و تلاش می کنند، در برابر این موقف غربی، از اتخاذ موضع دینی تحاشی می جویند و عوامل دیگری را بحیث ستون مقاومت در برابر امپریالیزم غربی، بخوانش می گیرند.

از جانبی هم تاکید آنان بر این است که غرب یا اتکا بر مبادی و اصول لیبرالیستی و انسانی خویش پا از دایره جنگ و کشمکش دینی برون کشیده و آغوش خود را برای پذیرش دیگران و بر قراری دیالوگ مناسب با آنان در حد متناسب باز کرده است.

طبیعی است که گروه یاد شده این گونه طرز دید غربی را یک دید کودنانه تلقی کرده و آن را تنها گرایش تلقی می کنند، نژاد پرستانه که نویسنده اش با چنان باوری آن را بخوانش گرفته و در همان فلکه، چرخ می زند که بنیاد گرایان اسلامی و رهروان اسلام سیاسی، چرخ می زنند[3].

درست ترین راه در این میدان همانا راه گفت و شنود وهمسوشدن برمحورحقوق بشر وبزرگ جلوه دادن غرب است.

نه پرت شدن در پرتگاه چنین تعصب دینی.

"هانتنگتون" از دید فرهنگیانی از این طراز، بدعوتگری مسلمانی می ماند که باری در یکی از قهوه خانه ها، پیرامون میزکی نشسته بود که زن هر جاگردی داخل قهوه خانه شده و در برابر او نشست و خود را به او پیشکش نمود.

ادامه دارد

رفاه اجتماعی

نایل، لاجوردین شهری

مقوله، رفاه اجتماعی از جمله مقولاتی است که برای همیشه در صدر وعده های احزاب وحکومت ها و نظام های که برای رأی مردم اهمیت قایلند و از طریق آرای مردم و انتخابات آزاد بوجود می آیند، قرار دارد. حتی حکومت های استبدادی و توتالیتر نیز در خطوط اساسی سیاسی شان مسأله رفاه اجتماعی را مطمح نظر قرار می دهند و برای ملت های شان از ایجاد رفاه اجتماعی و تأمین نیازهای عمومی و زندگی بهتر وعده می دهند، به طور معمول هیچگاه واقع نشده است که هیچ رژیمی در صدر برنامه های خود رفاه اجتماعی را عنوان نکرده و از تبلیغ گسترده آن سود سیاسی نجسته باشد.

در واقع رفاه اجتماعی و تأمین شرایط زندگی بهتر برای جامعه وزدودن فقر و تهیدستی از چهره، جامعه و افراد، مأمول حقیقی و هدف غایی حکومت ها و رژیم ها واحزاب را تشکیل می دهد.

جریانات روشنفکری، تحصیل کردگان مدرن و انقلابات دوران معاصر نیز قضیه، رفاه اجتماعی را تنها ترین بهانه، حرکت های خود قلم داد کرده و در خطوط برجسته، کارشان زندگی بهتر و رفاه عمومی را مطرح و عنوان می کنند تا خود را به پیروزی، هرچه بیشتر نزدیک سازند.

مسأله رفاه اجتماعی و زندگی بهتر در کشور ما بعد از تحولات اخیر و تأسیس اداره، موقت و نهایتاً تأسیس حکومت انتقالی به طور جدی در حلقات مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مطرح بوده است و گرایش جریانات عمومی به سوی قضیه، بازسازی و طرح رفاه عمومی تمایل پیدا می کند و تا ساحات مطبوعات ورسانه های گروهی کشانیده می شود.

در واقع آنچه برای دولت و دولت مردان امروز مهم و اصل است در پهلوی پرداختن به اصل استقرار امنیت و طرح قضیه، بازسازی، مسأله رفاه اجتماعی و تأمین زندگی بهتر برای همه گان است چه رفاه اجتماعی در واقع زیربنای حقیقی زندگی امروز ملت ما را تشکیل می دهد و همه مؤسسات ذیربط حق دارند و باید حق داشته باشند کار خلاق و تلاش همه جانبه و فراگیر در مسیر نیل به مأمول بزرگ رفاه زندگانی عمومی را بیاغازند و در تیوری و عمل کار بی شایبه و بایسته در جهت فقر زدایی و بهبود وضع زندگی اقتصادی مردم انجام دهند.

باید رژیمهای ناکام گذشته که آنها نیز رفاه اجتماعی را در سرلوحه، گفتار خود قرار می دادند به طور عبرت ناک مدنظر دولت مردان جدید قرار گیرد تا از شکست آنها بیاموزند که چگونه در جهت این امر بزرگ کار کنند.

اما اگر دولت مردان جدید چون اسلاف ورشکسته شان به دعوی های لفظی اکتفا کنند و مؤسسات خارجی و اینجوها را مسوول مصرف کمک های خارجی معرفی نمایند و به این بهانه بکوشند کمک های دول خارجی کمک دهنده را در قبضه، خود قرار دهند و بر تعداد خانه ها و ماشین های تعقیبی خود بیفزایند، بدیهی است که مسأله، رفاه اجتماعی و بهتر شدن امور زندگی مردم باردیگر بهانه یی می شود برای فریه ساختن دولت مردان جدید و رسیدن آنها به منفعت های شخصی تازه و این همان آغاز بدبختی خواهد بود که اسلاف این حکومت راه آن را پیموده بودند.

بناء کار عادلانه کردن و رعایت عدالت اجتماعی را نمودن ایجاب می کند قبل از ادعای تأمین رفاه عامه در لفافه، در عمل نگاهی به خود، زندگی خود و پیرامون خود و فاصله یی که میان زندگی دولت مردان و اقشار کم در آمد و بی بضاعت جامعه وجود دارد، بنمایند.

حکومت جدید پاکستان و مشکلات آن

سرانجام بعد از سالها وعده و وعید، به تعویق انداختن ها و ساخت و بافت ها، میر ظفرالله خان جمالی از حزب مسلم لیک قائد، منشعب از حزب مسلم لیک نواز شریف، فقط با یک رای اضافی از حد نصاب جهت احراز مقام نخست وزیری بحیث اولین نخست وزیر بعد از کودتای نظامی جنرال پرویز مشرف در سال ۱۹۹۸ میلادی، انتخاب گردید.

اواز ۳۲۹ رای حاضر پارلمان ۳۴۲ عضوی توانست ۱۷۲ رای را بدست آرد. این پیروزی به بهای انشعاب حزب مردم بی نظیر بوتو به میان آمد که بر اساس برخی از گزارشها به اثر مداخله و فعالیت شخصی پرویز مشرف صورت گرفت. ده تن از اعضای حزب مردم از حزب مذکور بریدند وبه مسلم لیک قائد پیوستند. مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت علماء اسلام و کاندیداتور شش حزب اسلامی به نام مجلس متحد عمل ۸۶ رای و شاه محمود قریشی از حزب مردم (PPP) ۷۰ رای بدست آوردند.

قرار بود پارلمان یا اسامبلی پاکستان هفته گذشته با سخنان جنرال پرویز مشرف افتتاح شود، اما بیم و خوف شکست مشرف در احراز مقام نخست وزیری برای آقای جمالی باعث گردید تا گشایش پارلمان مدت یک هفته به تعویق انداخته شود واو در جریان این یک هفته پر از شکایات آقای جمالی توانست طرفداری ده تن از اعضای حزب مردم وشماری از افراد آزاد را به دست آرد و حد نصاب برای تشکیل حکومت را تکمیل کند.

مذاکرات یک ماهه سه حزب براثراختلافات عمیق ایشان بر سر گزینش رئیس حکومت وخط مشی حکومت زمینه را مساعد نمود تا حزب مسلم لیک جناح مشرف پست ریاست و معاونت سخنگوی مجلس را نیز تصاحب نمایند. اگر احزاب مخالف حکومت مشرف، ستراتیژی مشترک و کاندید های مشترک می داشتند امروز اهمیت و مقامشان نسبت به مقام و شأن فعلی آنان برتر وپر اهمیت تر می بود.

میر ظفرالله خان جمالی از ایالت بلوچستان است وپدرش با قائد اعظم آن کشور در تأسیس پاکستان امروزی همکاری نموده بود. جمالی یکی از یاران نزدیک ذوالفقار علی بوتو بود و بعد از سرنگونی حکومت حزب مردم ذوالفقار علی بوتو وسپس اعدام وی بدست جنرال پرویز با آن حزب قطع رابطه نمود. او دوباره بحیث وزیر اعلی بلوچستان انتخاب گردیده است. این اولین بار است که در تاریخ پنجاه ساله پاکستان یک نفر از ایالت بلوچستان به چنین مقامی برگزیده می شود.

جمالی فارغ التحصیل مدرسه وکالج ودرگذشته از طرفداران گروه طالبان شناخته می شد، او شعایر اسلامی را ادا می کند و ریش اصلاح شده دارد. دارای درجه کارشناسی ارشد (ماستری) است. در جوانی از طرفداران بازی هاکی بود وبمدت ۲۰ سال سر تیم هاکی کشورش بود. زندگی سیاسی موصوف با پیوستن او به حزب مردم در سال ۱۹۷۰ آغاز گردید. همانطوری که اشاره شد بعد از سقوط حکومت ذوالفقار پدر بی نظیر بوتو با حزب قطع رابطه کرد در شمار خدمتگاران جنرال ضیاء الحق در آمد که در همان سال بحیث صدراعظم حکومت ایالتی بلوچستان باکمک حکومت نظامی جنرال ضیاءالحق انتخاب گردید. او در دوران حکومت ضیاء الحق بحیث وزیر دولت در امور مواد غذایی و وزیر زراعت از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ با وقفه یی کوتاه ایفای وظیفه نموده است . در سال ۱۹۸۵ به حزب مسلم لیک پیوست که این حزب به چندین شاخه انشعاب نموده بود. سال گذشته به حزب مسلم لیک قائد طرفدار جنرال مشرف پیوست.

در اول جنرال مشرف و احزابی اسلامی که تحت چتر مجلس متحد عمل به پارلمان راه یافته اند، برای تشکیل یک حکومت ائتلافی به موافقت رسیده بودند اما در پی اظهارات قاضی حسین معاون ائتلاف متحد مجلس عمل و رهبر جماعت اسلامی مبنی بر استعفای جنرال مشرف از مقام های نظامی و نادیده گرفتن ۲۹ موارد تعدیلی که مشرف درقانون اساسی آورده است، روابط ایشان برهم خورد.

جنرال مشرف در آغاز سال ۲۰۰۲ خود را منحیث رئیس جمهور آن کشور تا سال ۲۰۰۷ اعلان نمود و با تعدیلات تازهٔ قانون اساسی، صلاحیت دارد تا حکومت مرکزی وحکومت های ایالتی و بهمین منوال پارلمان را منحل نماید و حکومت نظامی را برقرار نماید. جنرال مشرف با انتخاب آقای جمالی در همان مسیری گام گذاشت که خلف پیشین او جنرال ضیاءالحق با انتخاب آقای جونجو آن را پیموده بود. حکومت جمالی یک حکومت ائتلافی با اکثریت ضعیف و با اپوزیسون قوی است که مجبور است اعضای ناراضی از حزب بی نظیر را خوش سازد. در غیر این صورت هر آن امکان رای عدم اعتماد برای او می رود. با در نظر داشت حقایق و واقعیت ها حکومت جدید چندان آیندهٔ خوبی نخواهد داشت.

واقعه شمار پاکستان

از آغاز حکومت ژنرال مشرف تاکنون

۱۲ اکتوبر ۱۹۹۹: ژنرال مشرف درپی بر طرفی اش از ریاست ستاد مشترک ارتش از سوی نواز شریف نخست وزیر وقت دست به کودتای سفید یازید.وحکومت منتخب نواز شریف را منحل نمود.

۱۵ اکتوبر ۱۹۹۹: جنرال پرویز مشرف در پاکستان حالت اضطراری را اعلان نموده و اسامبلهء ملی وپارلمانهای ایالت و قانون اساسی را به حال تعلیق در آورد.

اپریل ۲۰۰۰: نواز شریف به اتهام عملیات تروریستی و طیاره ربایی محکوم به حبس ابد گردید.

می ۲۰۰۰ : دادگاه عالی پاکستان با تائید کودتا و اصلاحات، تاریخ ۱۲ اکتوبر ۲۰۰۲ را روز تحویل قدرت به یک اداره ملکی تعین نمود.

دسامبر: ۲۰۰۰ : نوازشریف از زندان آزاد گردید وبه عربستان سعودی تبعید شد.

جون ۲۰۰۱ : بعد از آن که در اثر فشار ژنرال مشرف محمد رفیق تارل از ریاست جمهوری استعفی کرد. ژنرال مشرف خود را رئیس جمهور اعلان کرد.

جولای ۲۰۰۱: مشرف غرض ملاقات با آتل بهاری واچپایی صدراعظم هند به آنکشور سفر کرد، امااین سفر بخاطر اختلافات شدید بر سر موضوع کشمیر بی نتیجه ماند.

آگست۲۰۰۱: مشرف طی یک سخنرانی مهم ۱۲ اکتوبر ۲۰۰۲ را وقت تحویل قدرت به یک حکومت غیر نظامی و اعاده دموکراسی تعیین کرد.

سپتمبر ۲۰۰۱: ژنرال مشرف روابط و حمایت خویش را درپی عملیات تروریستی یازدهم سپتمبر نیویارک از طالبان ظاهراً قطع نمود.

جنوری۲۰۰۲: ژنرال مشرف طی یک سخنرانی علیه تروریزم وبنیاد گرایی درکشوراحطاردادوعده یی رادستگیر نمود.

۳۰اپریل۲۰۰۲: مشرف غرض مشروعیت بخشیدن به حکومت خود ریفراندم و همه پرسی را راه اندازی نمود که احزاب مخالف آنرا تحریم نمودند.

می ۲۰۰۲: مشرف در پی یک ریفراندم خودرا تا سال ۲۰۰۷ رئیس‌جمهورپاکستان اعلان کرد.

۲۶جون۲۰۰۲: مشرف درقانون اساسی ۲۹ مواد تعدیل آورد.

۶ جولای: مشرف با صدور حکمی نخست وزیران سابق ونخست وزیران حکومت های ایالتی را از کاندید شدن برای دور سوم برای احراز مقام نخست وزیری ممنوع اعلان نمود.

۱۰اکتوبر ۲۰۰۲ : انتخابات پارلمان مرکزی وایالتی بر گزار گردید که حزب مسلم لیک قائد جناح طرفدار مشرف در صدر دیگر احزاب قرار گرفت.

۱۶نوامبر۲۰۰۲: ژنرال مشرف منحیث رئیس جمهور برای ۵ سال دیگر در برابر پارلمان جدید به جای آورد.

۱۷نوامبر ۲۰۰۲: رئیس ومعاون سخنگوی پارلمان از حزب مسلم لیک قائد برگزیده شدند.

۲۱نوامبر۲۰۰۲: میر ظفرالله خان جمالی منحیث نخست وزیر انتخاب گردید.

اجباری شدن حجاب در انستیتوت طب پیشاور

هفتهء گذشته مسوولان انستیتوت طب پیشاور اعلان کردند که پس از این باید محصلین دختربارعایت حجاب اسلامی ولباس ساده به کلاسهای خود حاضر شوند.

همزمان با این اعلان از سوی این انستیتوت، برخی از رسانه های خبری دست به نظر خواهی از دختران محصل این انستیتوت در مورد این اقدام زدند. ما درج فشرده یی از گزارش رادیو بی.بی. سی. را در این باره برای خوانندگانمان خالی از فایده نمی دانیم:

• ما علاوه بر استقبال از این تصمیم انستیتوت، می خواهیم بگوییم که چرا عملی کردن این اقدام به تاخیر افتیده بود، زیرا ما دختران با رعایت حجاب خود را دارای حیثیتی بلند در جامعه می پنداریم، حجاب به هیچ صورتی مانعی در راه تحصیل ما نبوده است، بلکه با رعایت حجاب پسران و دختران با فراغت خاطر می توانند به درسهای خود که هدف از آمدن به انستیتوت می باشد، رسیدگی نمایند.

ما دراین جا به خاطر فراگیری درس آمده ایم به هر اندازه یی که با لباس بدون زرق و برق بیاییم، به همان اندازه افکار دختران و پسران به دروس شان متمرکز تر می شود.

• حجاب جزیی از شخصیت زن است. من خودم رعایت حجاب را برای دختران، بخصوص در دوران تحصیل بسیار موزون و بی حجابی را اخلال گری در دوران تحصیل می پندارم.

• در جامعهء ما بی حجابی حیثیت و شخصیت زن را پایین می آورد، من پیش از این هم به رعایت حجاب پابند بودم، از دیگر محصلین نیز می خواهم به خاطرحفظ حیثیت انستیتوت طب در انظار عام حجاب را رعایت نمایند.

• حجاب خوب است چون رسم جامعهء ما می باشد، اما نباید دختران مقید به پوشیدن یونیفورم مشخص شوند.

آنچه در بالا ارائه گردید نظریات چهارتن از دختران صنوف مختلف این انستیتوت بود، که سه تن آنان خاطر رسیدگی به دروس از رعایت حجاب به خوشی استقبال نمودندوچهارمی هم چندان نظر مخالف حجاب نداشت.

در گفتگویی که خبر نگار بخش پشتوی رادیو بی.بی.سی. با دکتر خانم یاسمین رئیس انستیتوت طب پیشاور داشت ضمن پرسش از واقعیت دستور رعایت حجاب از جانب آن انستیتوت رابطهء موضوع را با کامیابی اخیر سازمانهای اسلامی در ایالت سرحد، مورد سوال قرار داد.

دوکتورس یاسمین چنین پاسخ داد: با آن که طرح این پرسش را آنقدر ها مهم نمی پندارم، زیرا ما مسوولیت های دیگری در راستای مسایل تحصیلی داریم که در آن عرصه ها انستیتوت طب ما موفقیت های چشمگیری داشته است و یک مرکز با اعتبار علمی در سطح منطقه شمرده می شود.

اما به خاطر بی جواب نماندن سوال شما می خواهم به عرض برسانم که مساله رعایت حجاب در لایحهء این انستیتوت از قبل درج گردیده است. در این اواخر اندکی التزام به آن کمتر شده بود خواستیم به خاطر حفظ سویهء علمی انستیتوت وحفظ توجه محصلان به دروس شان توجه آنان را به این مادهء لایحه معطوف داریم.

این اقدام ما با کامیابی و ناکامی جریانهای سیاسی هیچ ربطی ندارد. ما منحیث یک مرکز با اعتبار علمی خواهان تطبیق برنامه های انستیتوت به خاطر رشد سویهء محصلین و تقدیم پزشکان خوب به جامعهء خود هستم همچنان این نکته بر همه گان روشن است که در جامعهء ما بی حجابی انعکاس خوبی ندارد و نمی خواهیم حیثیت معنوی محصلان این انستیتوت در انظار عام پایین آید.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره چهارم دوشنبه ٤ قوس ١٣٨١ - ٢٠ رمضان المبارک ١٤٢٣ - ٢٥ November ٢٠٠٢

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دهرات والي محمد اسمعیل خان د بیا رغاونې مخکښ دی



الکسي تیر دبورال دنړیوالي ډلي غړي، چي دافغانستان په چارو کي محقق دي وايي:

په هرات کي دبیا جوړوني پروسه په ډیري چټکۍ سره روانه ده، سړکونه جوړیږي، داوبو نلونه هرځای ته غځیږي، برق تل جریان لري، ښار ورځ پر ورځ پر اخیږي او تجارتي مارکیټونه جوړیږي، دښوونځي او روزني په باب کار په درز روان دی او دمامورینو معاش د هري میاشتي پر پنځلسو ورکول کیږي، چي دا وخت، د اسمعیل خان په مشري هرات زرین دوران تیروي او اسمعیل خان چي مجاهد اود طالبانو پر وړاندي مقاومت کړي، د بیا رغاونې په دوران کې هم مخکښ ګڼل کیږي او دزړونو محبوب دي.

دستوکندو دپاچاخان ځدراڼ ځواکونو ونیو

دقوس په لومړي ماذیګر دپاچاخان خواکونو د ګردیز او خوست ترمنځ دستوکندو ونیو. داکندو له ستراتیژیک پلوه خورا مهم دي او دوه ولایتونه سره نښلوي. په کندوکي دجنرال عتیق الله لودین په مشري ددریم لمبر قول اردو خواکونه پراته وو، خو دمخالف لوري د چریکي عملیاتو پروړاندي ترشا راغلل. اوس پر کندو تګ راتګ جریان لري او هم سوله ساتي پوځ پري ځي راځي.

سران کشورهای عضو سازمان ناتو در پراگ :

کمک های ناتو به افغانستان در ماه فبروری آغاز خواهد شد

سران کشورهای عضو سازمان پیمان انتلانتیک (ناتو) که در پراگ گرد هم آمده بودند، برمبارزه برضد تروریزم بین المللی و استقرار نیروهای حافظ صلح در افغانستان تاکید ورزیدند و اظهار نمودند که کمک ناتو به افغانستان در ماه فبرور ی آغازخواهد شد. یعنی وقتی که جرمنی و هالند قوماندانی مشترک قوای بین المللی حافظ صلح را در افغانستان که در داخل و اطراف شهر کابل فعال هستند به عهده گیرند، این اولین باری است که پیمان ناتو در عملیات در افغانستان رسماً شامل می گردد.

پول جدید در بحران ارزش

خوش بینی های رئیس بانک:

پول جدید افغانی از ثبات نسبی برخوردار خواهد شد

به قلم فایز

با آنکه هنوز بیش از یک ماه و نیم از آغاز کار مباد له‌ء پول جدید می گذرد، دلهره و اضطراب در میان مردم افغانستان وجود دارد.

این اضطراب و دلهره ها عمدتاً ناشی از آن است که با آغاز کار مبادله پولهای جدید و کهنه در سراسر افغانستان، بحران تازه ای با سقوط ارزش افغانی آغاز یافت. این بحران ارزشی از آن رو قابل توجه و دقت است که در زندگی یومیه مردم افغانستان نه تنها در شهر ها که در دور دست ترین نقاط افغانستان اثرات سوء و ناگوار دارد. چه با سقوط ارزش پول جدید افغانی (بحران) قیمت ها هم در کشور به وجود آمد. و در کمتر از دو هفته قیمت اجناس و مواد اولیه مورد ضرورت مردم دو چند افزایش یافته که با توجه به وضع بد و ناگوار اقتصادی مردم افغانستان، مصیبت بزرگی می باشد.

مقامات بانک مرکزی افغانستان در آغاز برای کار مباد له پولهای جدید و کهنه مدت دوماه را اعلان کرد ولی این ضرب العحل در این اواخر به سه ماه افزایش یافت که به زعم عده یی خود موجب استمرار و شدت بحران میگردد.

تعداد زیادی از شهریان کابل که به گونه یی در کارها و مشاغل اقتصادی سروکار دارند عقیده دارند که دوای مؤثر و سود مندکه می توانست پیکر اقتصاد بیمار و ضعیف مملکت را مداواکند چاپ وبه دوران افتیدن پول جدید بود. زیرا با تعدد بانکنوت های متفاوت در مملکت و با وجود میزان فوق العاده بلند انفلاسیون (تورم پولی) در کشور ، افغانستان راه دیگری نداشت تا به سوی ثبات پولی (اقتصادی) گام بردارد ، و برای رفتن به سوی ثبات پولی افغانستان ناگزیر بود مرحله بحران را عبور کند.

از هم پاشیدن شیرازه اقتصادی مملکت، خشک شدن چشمه های عایداتی آن نبود صادرات و ده ها عامل دیگر با تورم پولی موجود دست به دست هم داده زمینه ساز بحران کنونی شده اند که عرضه پول جدید نیز مزید بر علت گردیده است.

جالب انجاست که دست اندرکاران عرصه اقتصاد مملکت (وزیر مالیه و رئیس بانک مرکز وحتی مشاورین خارجی دولت دراین عرصه) تتوانسته اند راه های دقیق وسالم بیرون رفت از این بحران را دریابند و به کار ببندند.

تعدادی از صرافان و حتی کارمندان بالا رتبه دولتی معتقدند که بدون داشتن یک شیرازه‌ء درست و سالم اقتصادی در مملکت، چاپ و توزیع پول جدید نمی تواند کار ساز باشد. زیرا امکان افتیدن دولت حتی با به دوران افتیدن کامل پول جدید در ورطه‌ء خطرناک و فاجعه بار انفلاسیون صد فیصد میسر است، از آن جهت که دولت عمدتاً به کمک های سخاوتمندانه خارجی متکی است و میزان در آمد و عایدات آن به قدری نیست که پول در همه شریانهای جامعه در گردش افتد و راه آن از طریق جیب مردم، دولت وبانک مرکزی دوران کند.

به عبارة دیگر آمد و مصرف پول جدید تقریباً به یک سیستم یک طرفه شباهت دارد و این مساله می تواند خیلی جدی و قابل دقت باشد، ولی آقای احدی رئیس بانک مرکزی افغانستان بر خلاف معتقد است که چاپ بانکنوت های جدید امری ضروری بوده و به سود مملکت و اقتصاد مملکت ومردم آن است.

وی می گوید که این تصورات منفی بافان است که گویا چاپ پول جدید اشتباه بوده است. بلی پول جدید از اعتبار خوبی برخوردار ست و إنشاء الله در آینده‌ء نزدیک جایگاه خود را دریافت می کند و ارزش نسبی برخوردار خواهد شد. و گفت، کمک های اقتصادی کشورهای دوست افغانستان برای عتبار و ارزش پول جدید خیلی سودمند می باشد.

آقای احدی باور دارد که بحران ارزش در کشور کوتاه مدت خواهد بود وسر انجام پول جدید به ثبات نسبی خواهد رسید.

عده ای از تحلیل گران می پندارند که دولت قبل از وقت اقدام به چاپ بانکنوت جدید کرده است و معتقدند که دولتی که حتی قادر به پرداخت حقوق کارمندان و مامورین دفاتر خود نیست، چگونه می تواند در روند معاملات بازار آزاد با خشک شدن چشمه های عایداتی پول جدیدی را به کار اندازد و به ورطه بحران انفلاسیون سقوط نکند؟

ص٥

از نامه های آمده

وزارت معادن ، قرضدار مامورین

به مدیریت محترم نشریه "مجاهد"

احترامات تقدیم است و بعد: امیدوارم نامه ام را نشر نمایید.

به رسیدن موسم زمستان چند روزی بیش نمانده است ومامورین دولت قبل از ورود این فصل از ترس، لرزه بر اندام شان مستولی گردیده است، زیرا برق که بتوان با آن در تسخین و پخت و پز کار گرفت، و جود ندارد، گراف نرخ چوب و ذغال و تیل وگاز روز به روز قوس صعودی اش را می پیماید و دولت هم طوریکه دیده می شود توان کنترول قیم و ثبات پولی در مقابل اسعار خارجی را ندارد.

کشور از جنگ مسلحانه بر آمده و مداخله‌ء خارجی فرو کش کرده است، اما جنگ اقتصادی روان است، روپیه در مقابل افغانی! تا این تجاوز بر حریم پولی از بندر تورخم رانده نشود و معاملات کلاً با افغانی صورت نگیرد، حال همین است و منوال همین و ملت بیچاره در بدر!

اما، مامورین محترم: ترس از سرمای زمستان قبل از ورودش شما را نلرزاند، چون انسان به امید زنده است و نا امید نشوید. طوری که آگاهید وزارت معادن به ادارات دولتی خبر داده است که در بدل (۴۵۰۰۰۰) افغانی پول نقد که تحویل بانک شود و آویز داشته باشید (۵۰۰) کیلو گرام ذغال سنگ می دهد.

اما اکثر مامورین راضی نیستند که قبل از آن که ذغال به دست آرند پول شان را تحویل دهند. می گویند آزموده را آزمودن خطاست.

زیرا، در سال ۱۳۷۱ همین وزارت (۴۰۰۰) افغانی از هر مامور جهت تادیه ذغال سنگ گرفت که تا حال مقروض است. باید اول قرض گذشته را بپردازد و از جانبی این کار بدون پروگرام است، اولاً احتمال دارد مانند سال ۱۳۷۱ هرگز ذغال به دسترس مردم قرار داده نشود و در صورت عملی شدن، در این موسم سرما چگونه خشت و خشک و بعداً آماده یی سوخت گردد؟ به جز اینکه به سال آینده دیپو شود چه استفاده می توان از آن کرد؟

همان طوری که علاج واقعه را قبل از وقوع گفته اند در موسم گرما مسوولین این مشکلات را چرا حل نمی کنند و متوجه نیستند.

بناً بر ادارات بازپرس و تعقیب دولتی است که جلو مفاسد اداری را بگیرند و هم به باقیات ذغال سنگ سال ۱۳۷۱ رسیدگی صورت گیرد. درغیر آن نزدمامورین همه رو سیاه چون ذغال خواهند بود.

اشرفی

چرا شفافیت نیست؟!

در طول دوران کشمکش ها و مداخلات خارجی ها و همسایه ها که مسوولین حرف های صریح و راست را به ملت نمی گویند و ملت را با کلی گویی ها و مجهول گویی ها در تردد می اندازند. مثلاً از مداخله کشورها در طول دوران جنگ ها و کشمکش ها صریحاً گفته نشد که مداخله گر کیست؟ فقط با مجهول گویی های چون، کشورهای همسایه و حلقات مداخله گر اکتفا کردند.

این سیاست کلی گویی و مجهول [illegible] و نشرات هم راه یافته است. در شماره (۳۰۳) [illegible] کشف ماین، این گونه مجهول گویی ها [illegible] خبر امده است، "این ماین از یک ولایت همجوار [illegible] یافته بود" می بینیم که چند و [illegible] ولایتی که ماین از آن انتقال یافته [illegible] چند ولایت را در نظر مردم مشتبه و [illegible]

آیا [illegible] ضعیف هستیم که [illegible] مداخله [illegible] گفته نمی توانیم و [illegible] است که از ولایت اطراف کابل هم [illegible]